

جناب عابدی، محقق نسخ خطی فارسی

رضوان الله آروی*

بنده افتخار دارم پروفیسور سید امیر حسن عابدی را زیارت کرده‌ام، سخنرانی او را شنیده‌ام و از مهر و الطاف او استفاده کرده‌ام. بنده هر گاه که استاد را دیدار کردم بی‌گمان خیال کردم که این شعر برای همین استاد گفته شده:

سالها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
در کنفرانس و سمینارهای مختلف که در دهلی‌نو و جاهای دیگر برگزار می‌شد، بارها با استاد عابدی ملاقات کردم و درباره شعر و ادب فارسی، به‌ویژه نسخه‌های خطی فارسی که در کتابخانه‌های مختلف در سراسر جهان محفوظ‌اند، سؤال می‌کردم. او نه تنها پاسخ می‌دادند، بلکه فتوکپی مقالات چاپی و دستی خویش را نیز برای من فراهم می‌کردند. راست این است که استاد معاون و مهربان مانند استاد عابدی در جهان کمتر وجود دارد. استاد عابدی، شاعر فارسی هم بود و در مورد انتقاد و بررسی در زبان و ادبیات فارسی در هند نظیر نداشت، اما تحقیق و پژوهش در نسخه‌های خطی فارسی، مزیت و شناسنامه شخصیت فرهنگی و ادبی اوست. استاد عابدی، اساساً یک محقق عظیم بود و بویژه در نسخه‌شناسی، کسی از استادان دیگر همپایه او نیست. پروفیسور عابدی، همواره سعی می‌کرد که نه تنها نسخه‌های خطی فارسی نادر را کشف کند، بلکه به‌متن قدیم‌تر و اصیل‌تر برسد. چرا که او لازم می‌دانست که تصحیح و تدوین نسخه‌های خطی فارسی براساس متن قدیم‌تر و اصیل‌تر باشد. استاد عابدی، در تلاش و جستجوی این هدف، زندگانی خود را وقف کرد و کتابخانه‌ها و موزه‌ها را در هند و

* دانشیار بخش فارسی کالج اچ.دی. جین، آرا (بهار).

ایران سیر کرد و نسخه‌های خطی نادر را معرفی کرد. مقالات پُرارزش استاد عابدی، در مجلات مختلف هند و ایران، انتشار یافته و بنده سعی کرده‌ام که بعضی از این مقالات استاد عابدی را معرفی کنم تا از طرز و روش او در باب تحقیق نسخه‌های خطی فارسی آگاه و مطلع شویم و سعی کنیم که ما هم در این باب پیروی استاد عابدی کنیم و وظایف خود را به‌بهترین روش انجام بدهیم.

پروفسور امیر حسن عابدی، در یک مقاله مختصر خویش که تحت عنوان «دو نسخه خطی دیوان حافظ و نظیری» به چاپ رسیده است، دو نسخه خطی دیوان حافظ و نظیری را معرفی کرده است که در مرکز میکروفیلم نور، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در دهلی‌نو، نگهداری می‌شود. بر طبق بیان پروفسور عابدی، این هردو نسخه ناقص است و با خط خوب آمیخته به‌نسبتعلیق و شکسته کتابت گردیده است. پروفسور عابدی نه تنها این نسخه حافظ را معرفی کرد بلکه به‌امعان نظر با نسخه‌های چاپی دیگر دیوان حافظ مقایسه کرد و حداقل پنج غزلیات حافظ را نشان داد که در این نسخه موجود است و در نسخه علامه قزوینی نیست. همین‌طور، استاد عابدی، نظرات یک حافظ‌شناس ایرانی به‌نام مسعود فرزاد را هم رد می‌کند. فرزاد سه غزلیات ذیل حافظ را متعلق به حافظ نمی‌داند:

۱. شب از مطرب که دل خوش باد وی را.

۲. تا جمالش عاشقان را زد به وصل خود صلا.

۳. لطف باشد گر نبوشی از گدا ماروت را

استاد عابدی می‌گوید که این هر سه غزلیات در نسخه‌های دیگر موجود است که بعضی را معتبر می‌توان گفت. پروفسور عابدی، از بعضی از این نسخه‌های معتبر هم نام برده است.

در این مقاله تحقیقی، استاد عابدی، کلام نظیری را هم مورد مطالعه قرار داده‌اند و در نسخه خطی ناقص دیوان نظیری نیشاپوری، دو غزل زیر را دریافت کرده‌اند که تاکنون در نسخه چاپی انتشار نیافته است.

۱. به کجا می‌روی و جای تو ای ماه کجاست

۲. پیش چشم منی و در همه دلهاست رهت

ازین تحقیق پروفیسور عابدی، آشکار می‌شود که کار تدوین، کار آسان نیست. در مورد تدوین دیوانهای شعرا اکثر نسخه‌های کامل مورد مطالعه قرار می‌گیرند و به نسخه‌های ناقص بی‌اعتنایی می‌کنند اما استاد عابدی، در تدوین کلام شاعران از نسخه‌های ناقص هم استفاده می‌کردند و تحت توجه خود قرار می‌دادند.

در باره استاد عابدی، این امر بر سایر امور مزیت دارد که او سعی می‌کند که شخصیت‌های فراموش شده را دریابد و به جهان شعر و ادب آنها را معرفی نماید. مطربی سمرقندی یکی از آنهاست که در زمان جهانگیر پادشاه از سمرقند به هند آمده بود. حال آنکه مطربی ۲۴ بار با جهانگیر ملاقات کرده بود. اما اسم او در «تزک جهانگیری» نیامده است و آن موجب شگفت و تأسف است برای پروفیسور عابدی.

بر طبق بیان پروفیسور عابدی که در مقاله دیگر خویش تحت عنوان «مطربی سمرقندی» ابراز نموده است. مطربی سمرقندی، در سال ۱۶۰۸ م «تذکره الشعرا» تألیف نموده بود که با مقدمه و تصحیح اصغر جانفدا از تهران در سال ۱۹۹۹ م انتشار یافته است. استاد عابدی بیشتر اطلاعات، درباره مطربی سمرقندی، از پیشگفتار همین نسخه چاپی اخذ کرده است و یک تسامح بزرگ تاریخی و تحقیقی هم درست می‌کند. مطربی می‌خواست که به وقت ملاقات با جهانگیر پادشاه یک تحفه ادبی خدمت او تقدیم کند. بنابراین کتابی بنام «نسخه زیبای جهانگیر» تألیف نمود. درباره این کتاب، بیشتر محققان مانند دکتر ذبیح الله صفا، دکتر سید علی رضا نقوی، احمد گلچین معانی و احمد منزوی و... خطا کردند و از روی اشتباه این کتاب به عنوان «تاریخ جهانگیری» معرفی کردند. حال آنکه، از آن بعد، یک محقق شهیر آسیای غربی پروفیسور عبدالغنی میرزایف این اثر را تصحیح نموده با مقدمه خود انتشار داده است. او تأسف می‌خورد که با همه شایستگی و توانایی دیوان مطربی تاکنون مرتب نگردید؛ اما ابیات او در کتب مختلف نقل گردیده است که پروفیسور عابدی به آن طرف نشان می‌دهد. پروفیسور عابدی به اثر سوم مطربی بنام «خاطرات» اشاره می‌کند اما به تفصیل بیان نمی‌کند. گمان بنده این است که این کتاب در دوران اقامت در هند نوشته شده باشد و اگر این کتاب بدست می‌آمد اطلاعات زیادی درباره فرهنگ و ادب هند آن دوره، فراهم می‌شد.

یک نسخه خطی از «الهام قدسی» در مرکز میکروفیلم نور، در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران دهلی نو موجود است. استاد عابدی این کتاب نادر را در مقاله خودش تحت عنوان «الهام قدسی» معرفی کرده است و هم درباره مؤلف این کتاب اطلاع فراوان فراهم آورده است. مؤلف این کتاب، جمال‌الدین ابوالفضل محمد بایزید هندی قادری است که به سلسله قادریه تعلق داشت. این کتاب در عهد اورنگ‌زیب نوشته شده. استاد عابدی، درباره موضوعات این کتاب توضیح داده و هم زبان و اسلوب این کتاب را مورد انتقاد قرار داده و نوشته است که مؤلف در نثر فارسی دارای درجه بلندی است. اما، این کتاب نه تنها در نثر نوشته شده بل شامل قطعات و رباعیات هم می‌باشد که مؤلف آنها را «الهام قدسی» گفته است. در آخر این مقاله استاد عابدی، قطعات و رباعیات از این تألیف «الهام قدسی» نقل کرده است که از مطالعه آن برمی‌آید که شاعر تا چه اندازه در علم عرفان و تصوف تسلط داشته است.

عبید زاکانی یکی از شعرای معروف است و دیوان و کلیات او در ایران و هند پیوسته و مرتب به چاپ رسیده است. اما استاد عابدی، یکی از نسخه‌های خطی اصیل و مطلقاً و مذهب و مصور کلیات این شاعر را دریافت و معرفی کرده است که در موزه ملی، دهلی نو نگهداری می‌شود. ایشان در یک مقاله خودش تحت عنوان «یک نسخه خطی پرارزش از کلیات عبید زاکانی» ویژگی‌های این نسخه را توضیح داده و بویژه به آن منظومات را نشان داده است که تاکنون از نظر دانشمندان و پژوهشگران مخفی مانده است. علاوه بر این، چند نعت و منقبت که شامل این نسخه خطی است، در نسخه‌های چاپی موجود نیست، ازین تحقیق پروفیسور عابدی، برمی‌آید که کلیات عبید زاکانی، خواه در تهران چاپ شده باشد خواه در هند، ناقص است و شامل تمام کلام او نیست.

یک شماره «قند پارسی» که ویژه‌نامه مولانا می‌باشد، شامل بخشی از مقاله استاد عابدی است که تحت عنوان «مثنوی معنوی نولکشوری». به چاپ رسیده است. در این مقاله استاد عابدی نسخه چاپی مثنوی معنوی را تذکر داده است که سه بار از طرف چاپخانه منشی نولکشور انتشار یافته است. در آن زمان، شعرای وقت، تاریخ انتشار کتب می‌سرودند. لذا اکثر شعرای آن دوره تاریخ انتشار مثنوی هم سرودند و یکی از

آنها منشی هر گوپال تفته، تلمیذ میرزا غالب دهلوی بود. اما پروفیسور عابدی یک نکته مهم دیگری را نشان می‌دهد که علاوه بر سایر شعرای زمان، خود منشی نولکشور، در تجلیل «مثنوی معنوی» یک مثنوی سروده که سلطه و قدرت او بر شعر فارسی را به اثبات می‌رساند. منشی نولکشور، نه تنها طابع و ناشر بود بلکه شاعر چیره‌دست زبان فارسی هم بود. یکی از مزایای مهم تحقیق استاد عابدی این است که او در هر مقاله خویش، نکته مهمی کشف می‌کند که تاکنون از نگاه محققان مخفی مانده است.

پروفیسور عابدی، همواره سعی داشت شعرایی را معرفی کند که با وجود تسلط داشتن بر شعر و ادب فارسی، غیرمعروف و ناشناخته مانده‌اند. طایر شیرازی یکی از آنهاست که چندان شهرتی نیافته است. حال آنکه دیوان غزلیات او دارای پنج هزار بیت می‌باشد و قصاید او علاوه از این است. استاد، نسخه‌ای از دیوان این شاعر ناشناخته پیدا می‌کند که با مقدمه‌ای در شرح حال او در کتابخانه مجلس شورا (تهران) موجود است. اما یک نسخه خطی کامل دیگر از دیوان طایر شیرازی را استاد عابدی کشف می‌کند که با یک مقدمه مفصل در موزه ملی، دهلی‌نو نگهداری می‌شود. این مقاله استاد تحت عنوان «طایر شیرازی» مبتنی بر همان نسخه به نظر می‌رسد. چرا که استاد می‌نویسد:

«این مقدمه درباره طایر و خانواده‌اش توضیحات مفصّلی در بردارد که از نظر تاریخ و فرهنگ ایران ارزش زیادی دارد».

استاد عابدی، به کمک این مقدمه دیوان طایر، زندگانی شاعر و عروج و زوالش را بیان می‌کند که خیلی عبرت‌انگیز می‌باشد. استاد عابدی چند بیت از قصاید و غزلیات او نقل کرده است که سبک و قدرت او را بر شعر و ادب فارسی نمایان می‌کند. یکی از کارهای مهم استاد عابدی این است که شخصیت‌های برجسته ادبی و فرهنگی عصر خویش مانند طایر شیرازی را از بوته گمنامی بیرون آورده است.

در میان کتب تصوف و تذکره عرفا «تذکره الاولیا» از فریدالدین عطار در هند و ایران شهرت و محبوبیت به سزا دارد. این کتاب در هر دو کشور، مرتباً تصحیح و تدوین شده و به چاپ رسیده است. اما، استاد عابدی، در مقاله خودش تحت عنوان «قدیم‌ترین نسخه خطی تذکره الاولیا» قدیم‌ترین نسخه خطی «تذکره الاولیا» را کشف کرده است که

در موزه ملی دهلی نو نگهداری می‌شود. استاد عابدی بنا بر شاهد مکتوب، ادعا می‌کند که این نسخه پیش از ۶۹۲ هـ/۱۲۹۳ م کتابت شده است و باید همین نسخه اساس متن اصلی «تذکره‌الاولیا» قرار گیرد. در حقیقت، استاد عابدی، دوست دانشمند خودش، آقای دکتر محمد استعلامی را مورد انتقاد قرار داده است که کتاب «تذکره‌الاولیا» را تهیه نموده و اساس نسخه چاپی خود را به نسخه سال ۶۹۲ هـ/۱۲۹۳ م قرار نداده‌اند. استاد عابدی تأسف خورد که در تصحیح متن کتاب «تذکره‌الاولیا» از نسخه‌های کتابخانه‌ها و موزه‌ها در سراسر هند، استفاده نشده است. در آخر مقاله، استاد عابدی مقایسه نسخه چاپی «تذکره‌الاولیا» (از دکتر استعلامی) با نسخه خطی موزه ملی، دهلی نو کرده است که از مطالعه آن، قدمت این نسخه خطی آشکار می‌شود. استاد، مزایای دیگر این نسخه خطی را هم تذکر داده است که نسخه‌های خطی دوره بعدی، فاقد این مزایا و خصوصیات هستند. به راستی این مقاله استاد عابدی، به پژوهشگران آتی، درس می‌دهد که ما همواره باید سعی کنیم در جستجوی نسخه‌های قدیم‌تر و به اصل نزدیک‌تر باشیم.

دیوان هلالی، به سعی و اهتمام مرحوم استاد سعید نفیسی در ایران به چاپ رسیده است. اما دانشمندان ایرانی، در تصحیح متن فارسی، از نسخه‌های هند استفاده نمی‌کنند. به همین سبب، متن شاعر کامل نمی‌شود و بسیاری از ابیات غزلیات و قصاید ناشناخته می‌ماند. در مورد دیوان هلالی، استاد عابدی در مقاله خویش تحت عنوان «دو نسخه خطی پرارزش دیوان هلالی» نشان داده است که مرحوم استاد سعید نفیسی از نسخه خطی این شاعر که در موزه ملی، دهلی نو محفوظ است، استفاده نکرده و به همین سبب، بسیاری از ابیات این شاعر در دیوان چاپی هلالی استرآبادی موجود نیست اما در نسخه خطی موجود است. همین‌طور، در تدوین متن دیوان هلالی از نسخه خطی دیگر او که به کتابخانه انستیتوی غالب، دهلی نو مضبوط است، استفاده نشده. استاد عابدی، قبلاً معرفی این نسخه خطی را تحت عنوان «غزلیات ناشناخته هلالی» در «بیاض» انجمن استادان فارسی کرده بود.

پروفسور عابدی یک بیاض نادر بنام «مجموعه اشعار شاعران نامدار» را معرفی کرده است که توسط محمد بن یغمور در کتاب «جنگ ترمذ» گردآوری شده است. این

نسخه خطی در کتابخانه دولتی مدراس، نگهداری می‌شود. استاد عابدی، در یک مقاله مهم خویش این بیاض را نشان داده است که نامشان در اغلب تذکره‌ها یافت نمی‌شود و دیگر اینکه این بیاض مشتمل است بر قصیده‌ها، رباعیات و قطعه‌های بسیاری از شاعران نامدار پارسی که هیچ یک از آن آثار منتشر نشده و در میان این «شاعران نامدار پارسی، حکیم عمر خیّام هم می‌باشد که بعضی از رباعیات او تنها در این بیاض آمده است و جای دیگری درج نشده است.

یکی از مزایای شخصیت فرهنگی و ادبی، استاد عابدی این است که ایشان کتب هندوان را مورد بررسی قرار داده‌اند که از زبان سانسکریت به فارسی ترجمه شده. استاد عابدی، آثار کلاسیک بسیاری که مخصوصاً در طی عهد پادشاهی تیموریان به فارسی ترجمه شده را مورد نظر قرار داده است و کتابهای معروف سانسکریت و یا زبانهای دیگر، مانند «نل‌دمیانتی»، «کتاسریت ساگر»، «راج‌ترنگنی»، «راگ‌دَرپِن» و غیره را تذکر داده که توسط دانشمندان مختلف به زبان فارسی ترجمه شده. استاد عابدی پس از تلاش و جستجوی بسیار اطلاع می‌دهد که حداقل بیست ترجمه «رامایانا»، دوازده ترجمه «سنگهاسن بتیسی» و دوازده ترجمه «پدماوت» در هند وجود دارند. ایشان در ضمن این مطالعه و بررسی داراشکوه را تحسین و آفرین می‌کنند که او توسط ترجمه کتب سانسکریت به زبان فارسی سعی بلیغ کرده و اتحاد مذاهب در سراسر هند به وجود آورده است. استاد عابدی، این کتب را «منابع ناشناخته فارسی» می‌داند که در مطالعات و تحقیقات تاریخ هند خیلی کمک می‌کنند.

مقالاتی از جنس این مقالات پرارزش استاد امیر حسن عابدی، یک الگو برای استادان جوان می‌باشد. استاد، در مقاله و بررسی، بویژه در تحقیق نسخه‌های خطی فارسی، عواطف صمیمانه و تلاش صادقانه را به کار برده‌اند و از افراط و تفریط خودداری کرده‌اند. استاد عابدی، استادی سرشناس، متبحر و دانشمندی برجسته در زبان و ادبیات فارسی بود. استاد عابدی، در نهایت پس از ده‌ها سال تلاش علمی، ادبی و فرهنگی، چشم از جهان فرو بست. اما خدمات ارزنده وی، در تلاش و تحقیق ادب و متن فارسی، یک چراغ روشن است که هرگز خاموش نخواهد شد.

منابع

۱. فصلنامه قند پارسی مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، شماره ۵، زمستان ۱۳۷۱ ه.ش.
۲. همان، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۷۹ ه.ش.
۳. همان، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۸۰ ه.ش.
۴. همان، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۱ ه.ش.
۵. همان، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۱ ه.ش.
۶. همان، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۱ ه.ش.
۷. همان، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۳ ه.ش.
۸. همان، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۸۴ ه.ش.
۹. همان، شماره ۳۸، پاییز ۱۳۸۶ ه.ش، «ویژه بزرگداشت هشتصدمین سال تولد مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی».
۱۰. همان، شماره ۴۱-۴۲، تابستان - پاییز ۱۳۸۷ ه.ش، «ویژه‌نامه نسخ خطی هند».